



ترجمہ و تخریج تفسیر القرآن

۱۴۲۵ھ

۱۴۲۵ھ تا ۱۴۲۶ھ کے دوران میں تفسیر القرآن کی تخریج و ترجمہ کیا گیا ہے۔

یہ تفسیر تفسیر القرآن ہے

۱۴۲۵ھ تا ۱۴۲۶ھ کے دوران میں

یہ تفسیر تفسیر القرآن ہے

۱۴۲۵ھ



نشر ادیان

۱۴۲۵ھ



پاشایی، ع/ ۱۳۱۸ -

چرخ و نیلوفر، گزیده متن‌های بودایی در طی قرن‌ها/ گزینش و ترجمه: ع. پاشایی. قم: نشر ادیان، ۱۳۹۳.
۶۲۴ ص. - (نشر ادیان؛ ۸۵).

ISBN: 978-964-2908-70-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
نمایه.

سرشناسه: پاشایی، ع، ۱۳۱۸، - گردآورنده، مترجم.

۱. بودا، ۵۶۳ - ۴۸۳ ق.م، کلمات قصار. ۲. بودیسم، الف. نشر ادیان. ب. عنوان.

۴ ج ۲ پ / ۱۳۵ BQ

۱۳۹۳

کتابخانه ملی ایران

۲۹۴/۳

۲۹۳۲۸۶۵

چرخ و فیلم

گزیده متن‌های بودایی در طی قرن‌ها

مترجم و گردآورنده: ع. پاشایی



نشر ادیان



نشر ادیان

۸۵

چرخ و نیلوفر (گزیده متن‌های یونانی، رومی، فارسی)

• گردآوری و ترجمه: ع. پاشایی

• ویراستار فنی و محتوایی: علیرضا شجاعی

• ناشر: نشر ادیان (وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب)

• نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

• چاپ: زلال کوثر

• شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

• قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۸-۷۰-۷

• حق چاپ و نشر محفوظ است.

• مراکز پخش:

قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰۱۳، نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱

تهران، خ انقلاب، بین خ ابوریحان و فلسطین، بن بست مهارت، پلاک ۱

طبقه زیرین، پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی) تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۲۰۳

www.adyan-eshop.ir press@urd.ac.ir www.urd.ac.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱

مقدمه ۱۵

بخش اول: تیره‌واده، آموزه‌های پیران ۴۱

آه پودلا ۴۳

۱. جست‌وجوی جلیل. ۲. بیداری. ۳. پنج رهرو. ۴. گفتار بنارس: گرداندن چرخ و آیین. ۵. سه نشانه. ۶. ساری پوئه و موگلانه. ۷. دیدار کیپله‌وتو. ۸. زنان رهرو. ۹. کیما و پسیندی‌شاه. ۱۰. نکوله‌پیتار. ۱۱. کوسمبی و بیشه‌ی سیم‌سپا. ۱۲. در ساوتی. ۱۳. هشت آزادی. ۱۴. مرگ بزرگ. ۱۵. آخرین سخنان بودا. ۳۹.....

آه دوه ۹۵

۱۶. دمه ۹۹

تمثیل جاله

۱۷. چهار حقیقت جلیل ۱۰۳

سوره‌ی گرداندن چرخ آیین، سوره‌ی بزرگ نظاره‌ی آگاهی،

سوره‌ی مهاسچکه

۱۸. زنجیر علی ۱۱۱

همزایی مشروط

۱۹. دوباره زاییده شدن ۱۲۳

۲۰. یکدلی ۱۳۰

۲۱. دل ۱۳۱

۲۲. سه نشانه ۱۳۳

سوره‌ی سه نشانه‌ی چیزهای آمیخته

نشانه‌ی اول: نپایندگی: سوره‌ی نپایندگی، سوره‌ی دوم نپایندگی.

نشانه‌ی دوم: رنج بردن: سوره‌ی بار، سوره‌ی دلبستگی.

نشانه‌ی سوم: نه - خود.

سوره‌ی نشانه‌ی نه - خود

۲۳. تهیت ۱۴۱

۲۴. آزادی ۱۴۲

۲۵. نیروانه ۱۴۳

۲۶. آن بیمارک، نیافریده، نیامیخته ۱۵۵

۲۷. بودا و چنین رفته ۱۵۹

آه سنگه الفجرین و هبائلان ۱۶۹

۲۸. آیین بجا و اوپه سم پدا ۱۷۳

۲۹. آیین اوپوشته ۱۸۱

۳۰. باتی موک ۱۸۱

۳۱. چهار پاراجیکه ۱۸۵

۳۲. وشه: فصل باران ۱۸۶

۳۳. رهرو ۱۹۰

سوره‌ی چندو پتمه، سوره‌ی دمیکه، سوره‌ی سفر درست، کرگدن

۳۴. آزهت ۲۰۱

۳۵. پیش‌نشین ۲۰۳

سوره دَمِیکَه

سوره سینگال‌نواده

۳۶. ده کمال

۲. افروزده‌های دَمِه ۲۱۵

۱. راه آیین (دَمِه پَدَه) ۲۱۷

دل، انسان کامل، بیدار / بودا، آرایش‌ها، راه

۲. چنین گوید او (ایتی‌ووتکه) ۲۳۳

نزاده، دو ذات، ذات آزادی، خاموشی وجود، سه ریشه، سه ذات،

سه احساس، سه جست‌وجو، سه آرایش، سه تشنگی، سه توده، سه

زمان، سه کنش بد، سه کنش خوب، سه پاک‌ی، سه خاموشی، سه

آتش

۳. (جدال پوژگله‌وادین با وِسوَنَدو) ۲۵۵

بخش دوم: دَه‌ایان‌ه: آموزه‌ها ۲۶۳

۱. تعلیم کلی بودایان ۲۶۵

۲. پَرگیا‌پارمیتا / کمال فراشناخت ۲۸۱

۱. کوتاه کاری شراوکه‌ها، ۲. وصف بوداسف، ۳. گستره‌ی مهر و

غم‌خوارگی، ۴. اُپایه / دستاویز خوب، ۵. برگرداندن نکوکاری

خود به دیگران، ۶. شش کمال، ۷. نسبت کمال فراشناخت به

کمال‌های دیگر، ۸. شش کمال با هم، ۹. شناخت‌ناپذیری

پَرگیا‌پارمیتا، ۱۰. موضوع پَرگیا‌پارمیتا (طرح کلی: تهیت). ۱۱.

راه مَنتری

۸ / چرخ و نیلوفر

۳. سوره‌ی دل ۳۲۷

۴. سوره‌ی الماس ۳۲۹

۵. سوره‌ی معانی بی‌شمار ۳۴۱

۶. سوره‌ی گل نیلوفر درمّهی شگفت‌انگیز ۳۵۷

(دستاویزهای خوب، طول عمر چنین آمده)

۷. سوره‌ی مراقبه‌ی عمل درمّهی بوداسف ارجمند ۴۱۳

۸. للیته‌ویستَره ۴۱۹

۹. سوکاوَتی‌ویوَهه سوتره ۴۲۵

۱۰. لَنکاوَتازَه سوتره ۴۳۱

چیته‌ماتَره: دل فقط؛ خودنداشتن دوگانه و تهیت؛ ناواقعیت جهان

۱۱. ویمله‌کیرتی نیردیشه سوتره ۴۵۱

۱۲. دو مدخل و چهار عمل ۴۶۵

۱۳. بیداری ایمان در مهایانه ۴۷۱

۱۴. سوره‌ی صفه‌ی ششمین پیر / تن‌جینگ ۵۰۷

۱۵. شوبوگن‌زو ۵۱۹

بخشی سوم: تَنَتَرَه‌ها ۵۳۹

۱. پاک کردن دل، ۵۴۱

۲. سرود شاهانه‌ی سَرَهه، ۵۴۲

۳. از سادَنه‌مالا، ۵۵۲

۴. هی‌روکه ۵۵۷

۵. مَنَدَلَه ۵۶۳

معرفی کتاب‌ها ۵۷۳

آوانویسی واژگان و نام‌ها ۵۹۵

(سنسکریت، پالی، چینی، ژاپنی)

کوتاه‌نوشت‌ها ۶۰۱

کتابنامه ۶۰۳

نمایه‌ها ۶۰۵



پیشگفتار

بودایی‌ها در طی قرن‌ها متن‌های مقدس بسیاری پدید آورده‌اند، که خیلی از آن‌ها را سخن بودا می‌دانند. خیلی از این متن‌ها در بیرون از سرزمین‌های بودایی هم پراوازه‌اند، مثل *دَمَه‌پَدَه* (راه آیین) و *سوره‌ی نیلوفر*، و مانند این‌ها. این متن‌ها به زبان‌های گوناگون‌اند. گزینش جامع از این همه کتاب ممکن نیست، چراکه از یک طرف حجم کتاب ما محدود بود، و از طرف دیگر هم می‌خواستیم که این گزینه بیش‌تر، نه تماماً، از کتاب‌هایی باشد که یا به فارسی درآمده‌اند یا نام‌شان در کتاب‌های دیگر فارسی آمده است.

این‌جا باید کمی درباره اسم کتاب بگویم. منظور از «چرخ» اشاره است به اولین گفتار بودا معروف به «سوره‌ی گرداندن چرخ آیین»، و منظور از «نیلوفر» اشاره است به کتاب مشهور «سوره‌ی نیلوفر».

کتاب را با مقدمه شروع می‌کنیم که در آن به سیر تاریخی و اندیشگی و تفاوت‌های دو شاخه‌ی بزرگ مکتب‌های بودایی اشاره می‌شود.

سپس گزیده را در سه بخش اصلی: ۱. *تیره‌واده*، ۲. *مهایانه*، ۳. *تنتره‌ها* می‌آوریم. در بخش *تیره‌واده* (هینه‌یانه) از متن‌های بودایی پالی، و به همان

شیوه‌ی سنتی بودایی، یعنی بودا، دَهه / آیین، و سَنگه / انجمن رهبانان، نقل می‌شود، همراه با دو گزیده‌ی مستقل از دو متن معروف دَهه‌پَدَه (راه آیین) و ایتی‌ووتَنگه («چنین گفت او»).

در بخش دوم، قهایانه، اول از متن‌های گوناگون و زیر موضوعات گوناگون نقل می‌کنیم، همراه با گزیده‌های مستقل از چند متن معروف، مثل سوره‌ی دل، سوره‌ی الماس، سوره‌ی نیلوفر سه‌گانه، و مانند این‌ها. بخش سوم، گزیده‌هایی از متن‌های قنتره است. این متن‌ها هم در شمار متن‌های مه‌ایانه‌اند.

بخش آخر چند قسمت دارد. پس از کوتاه‌نوشت‌ها، معرفی مهم‌ترین کتاب‌هایی است که از آن‌ها انتخاب و نقل شده است. بعد از آن شیوه‌ی فارسی‌نوشت واژگان و نام‌های سنسکریت، پالی، چینی، ژاپنی آورده می‌شود. پیش از نمایه‌ی نام‌ها و مفهوم‌ها، کتابنامه را داریم که منابع این گزینش را نشان می‌دهد.

ع. پاشایی

تهران پاییز ۱۳۹۳

سپاسگزاری

سپاسگزاری می‌کنم:

از سعید زارع، از نشر ادیان، که راه فراهم آوردن این کتاب را هموار کرده است.

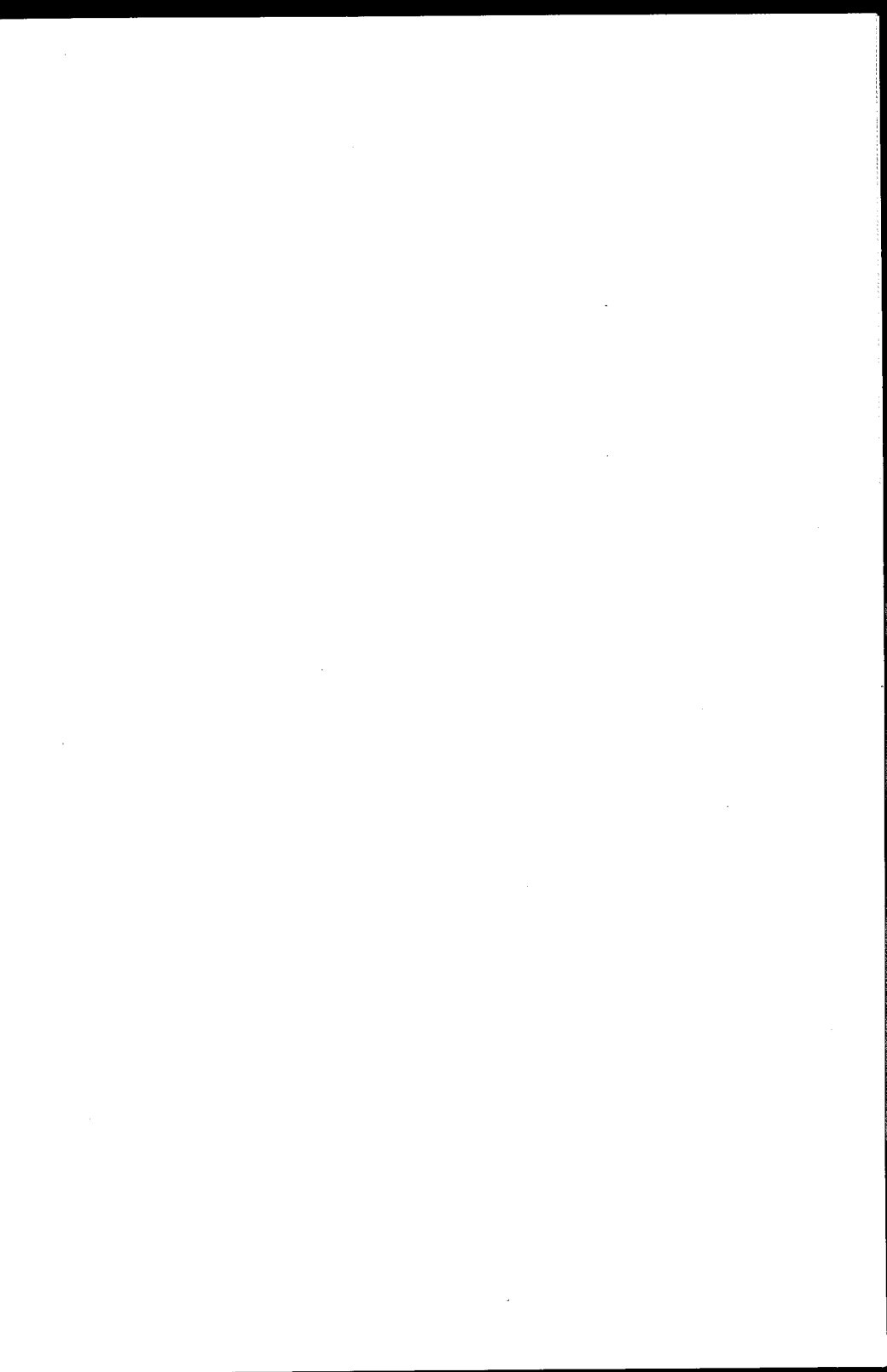
از علی‌رضا شجاعی که تمام کتاب را به دقت خوانده است و پیشنهادهای کارشناسانه‌ی ارزشمندی داده است، و معرفی کتاب‌ها هم پیشنهاد او و بخش‌هایی هم کار خود اوست.

از آقایان محمد روحانی و علی مصدق که چاپ کتاب را امکان‌پذیر کرده‌اند.

از شهرام بردبار، از بخش گرافیک نشر ادیان، به خاطر روی جلد‌ها و کارهای گرافیکی زیبایش برای چند کتاب من، و از جمله همین کتاب.
از معصومه‌ی ارمغان که حروف‌چینی و صفحه‌بندی تمام کتاب را با شکیبایی و دقت همیشگی‌اش به انجام رسانده است.

ع. پاشایی

تهران، مرداد ۹۳



مقدمه

نگاهی به شاخه‌های اصلی آیین بودا

آیین بودا اشاره است به آموزه‌های بودای تاریخی، و در معنای وسیع‌تر، به دینی که او بنیاد گذاشت. بودا، یعنی بیدار و روشنی‌یافته، عنوانی است که به کسی داده می‌شود که او حقیقت کلّ را دریافته، به آن روشن و بیدار شده است. بودای تاریخی به عناوینی مثل شاکیه‌مؤنی^۱ (پا. ساکیه‌مؤنی)، در لغت به معنی فرزانه‌ی قبیله‌ی شاکیه (پا. ساکیه)، و بگوت (بگوتن)، یعنی سرور عالم یا خجسته خوانده می‌شود. لقب بگوت را می‌شود به هر بودا داد، اما شاکیه‌مؤنی به‌طور اخص به بنیادگذار تاریخی آیین بودا اطلاق می‌شود، که بنا به سنت تیره‌واده^۲ در حدود ۵۶۰ ق م در قلمرو شاکیه‌ها در هند شمالی متولد شد و در حدود ۴۵۰ ق م درگذشت. در آیین بودای پالی بودای تاریخی به نام طایفه‌اش گوتمه^۳ (سن. گئوتمه^۴) معروف است.

آیین بودا را می‌توان به دینی تعریف کرد که یافت بوداگی، یعنی رسیدن

1. Śākyamuni

2. Theravāda

3. Gotama

4. Gautama

به مرتبه‌ی بودا شدن، را تعلیم می‌دهد. این یک تعریف مه‌ایانه است، مبتنی بر این نظریه‌ی مه‌ایانه که بودا شدن در فطرت همه‌ی جانداران هست، یا هر جاننداری بودای بالقوه است. این جا آیین بودا را آموزه‌یی می‌دانند که به راه کمال شخصی اشاره می‌کند یعنی از طریق درک بودای تاریخی آن به صورت وجود روشنی‌یافته‌ی کامل.

بنا به سنت، سه نظام تحول یافته‌اند تا آن واگرایی را که در تاریخ طولانی آیین بودا روی داده توضیح دهند. اولی به دوگردونه (گاهی سه‌گردونه) معروف است و در درجه‌ی اول مبتنی است بر تفاوت‌های فلسفی. دومی آیین بودا را در داخل آیین بودای هندی به سه جنبش از نظر تاریخی پیاپی گسترده تقسیم می‌کند — آغازین، آبی‌درمه (فرقه‌گرا)، و مه‌ایانه. سومی روی گسترش جغرافیایی آیین بودا بعد رفتن آن از هند متمرکز است — یعنی آیین بودای جنوبی و آیین بودای شمالی.

دوگردونه و سه‌گردونه

اصطلاح «گردونه» ترجمه‌ی یانه‌ی^۱ هندی است استعاره‌یی است برای آیین بودا، نشان‌دهنده‌ی وسیله‌یی است که مردم با آن از «این‌سو» یا از این ساحل فریب و وهم، به آن‌سو، یا به ساحل دیگر روشن‌شدگی^۲ می‌روند. طبقه‌بندی پایه‌یی شامل دوگردونه‌ی هینه‌یانه و مه‌ایانه است، اما طبقه‌بندی سه‌گردونه هم وجود دارد. در این مورد هینه‌یانه به شراوکه‌یانه^۳، (گردونه‌ی شنوندگان) و پرَتینکه‌بودایانه^۴ (گردونه‌ی بوداهای تکرو) تقسیم می‌شود و مه‌ایانه به بودی‌ستوه‌یانه^۵ (گردونه‌ی بوداسف) یا بودایانه / بوذه‌یانه^۶ (گردونه‌ی بوداها).

1. yāna

2. bodhi

3. Śrāvakayāna

4. Pratyekabuddhayāna

5. Bodhisattvayāna

6. Buddhayāna

هینه یانه

هینه یانه^۱ در لغت به معنی گردونه‌ی کوچک، یا پست است و نامی است که مکتب‌های مهاییانه آن را برای اشاره به نقص‌هایی به کار برده‌اند که به گمان آن‌ها پیشینیان‌شان داشته‌اند. اساس انتقاد مهاییانی‌ها از هینه یانه این بود که هینه یانه تنها خیر و صلاح فرد را از طریق هدف خودپروری یا به کمال رساندن خود و آزاد شدن از بندهای وجود تأکید می‌کند. هینه یانه هم به شراو که یانه معروف است به خاطر این اندیشه‌ی آن که روشن‌شدگی می‌تواند فقط با شنیدن بی‌واسطه‌ی آموزه‌های بودا یافته شود. شراو که (پا. ساو که)، یا شنونده، یا نیوشا، شاگرد است و اصطلاح اشاره است به همه‌ی شاگردهای بلافصل شاکیه مؤنی.

هینه یانه و شراو که یانه هر دو اصطلاحات اهانت‌آمیزند و به این نحو هیچ وقت خود مکتب‌های غیر مهاییانه آن‌ها را به کار نمی‌برند.

مهاییانه

مهاییانه،^۲ که در لغت به معنی طریقت یا گردونه‌ی بزرگ، یا برتر، است دو مقصد خودپروری یا به کمال رساندن خود و به روشن‌شدگی رساندن دیگران را به هم می‌آمیزد. در دیدگاه مهاییانه، این کافی نیست که خودمان به کمال (بوداگی) برسیم، و به این نحو فقط گلیم خودمان را از آب بیرون بکشیم، یا خودمان را از دور پرگار وجود و از چنبره‌ی سنساره^۳، یعنی از چرخه‌ی زاد و مرگ‌ها، خلاص کنیم؛ این به چیزی نمی‌ارزد مگر آن که دیگران را هم به روشن‌شدگی و رهایی و رستگاری هدایت کنیم. مهاییانی‌ها این دیدگاه نועدوستانه را، که دیدگاه بوداسف است و راه بوداسف خوانده می‌شود،

1. Hīnayāna

2. Mahāyāna

3. saṃsāra

هسته‌ی اختلاف بین این دو گروه می‌دانند. از آن‌جا که مه‌ایانه به این آرمان می‌چسبد به بودی‌ستوه‌یانه، یعنی گروهی بوداسف‌ها، و همین‌طور بودایانه، یا گروهی بوداها معروف است.

جنبش مه‌ایانه، که در قرن اول، در حدود چهارصد سال بعد از درگذشت بودا، حمایت و پایگاه پیدا کرد، هدفش این بود که روح آموزه‌های شاکیه‌مونی را به دینی بازگرداند که در اثر صوری شدن و شکل خشک به خود گرفتار دیگر از شکل آغازینش جز پوستی باقی نمانده بود. آن فرایند در قرن چهارم ق.م، در حدود صد سال بعد از درگذشت شاکیه‌مونی، آغاز شد چون در اثر تفرقه جنبش بودایی شکاف برداشت و تقسیم شد و کم‌کم فلسفه بر عمل بودایی غالب شد. مه‌ایانی‌ها منتقد این فرقه‌گرایی حاصل از این تفرقه بودند، که به آیین بودای آبی‌درمه^۱ معروف شد.

نکات مورد اختلاف

مه‌ایانه شش محل بزرگ نزاع یا اختلاف بین خودش و هینه‌یانه را مشخص می‌کند. اولین محل اختلاف، آرمان پیرو و سالک بودایی بود. هینه‌یانه تعلیم می‌داد که برترین روشن‌شدگی برای یک شواوکه، رسیدن به مقام آرَهَت^۲ (انسان کامل) است. در دوره‌ی آبی‌درمه، شاکیه‌مونی، در نتیجه، خدا شده بود. می‌پنداشتند او از نظر تولد و شخصیت هر دو به مرتبه‌ی «فرانمودین»، یعنی متعالی یا فراخاکی تعلق دارد. سی و دو نشانه‌ی مرد بزرگ و هشتاد نشانه‌ی متمایز و هجده درمه‌ی خاص به او نسبت داده می‌شود. یافت بوداگی او را نتیجه‌ی دوران‌ها (کلپه)^۳ عمل اندوخته به صورت یک بوداسف، یا طالب و مشتاق روشن‌شدگی می‌دانند، و همین عمل اندوخته‌ی او بود که او را متمایز می‌کرد.

۱. سن. Abhidharma، پا. Abhidhamma ۲. پا. arahat، سن. arhat

برعکس، شاگردانش صرفاً آموزه‌های او را شنیده بودند و عمل‌شان در واکنش به آن آموزه‌ها بود.

از طرف دیگر، مه‌ایانه، می‌گفت همه‌ی جانداران سرشت بودا (بُودَه‌گو تره)^۱ دارند، که همان ظرفیت و قابلیت رسیدن به بوداگی است، و به این نحو همه مستعد آتند که اول از طریق آرزوی روشن‌شدگی بوداسف شوند. و بعد از راه آرزوی رسیدن به خود بوداگی از طریق سوگندهای بوداسف، بیداری خود، و عمل‌های گوناگون، از جمله شش کمال (یا، شش پارمیتا)^۲ به آن‌هایی که نمی‌توانند در زندگی کنونی به بوداگی برسند اطمینان داده می‌شود که زمانی در آینده، که شاید هم دوران‌ها به درازا بکشد، آن را خواهند یافت. خودبیداری، عزم، و جهد به مشتاقان و آرزومندان نیرو می‌دهد که در عمل‌شان پایداری کنند، و هیچ‌گاه در یافتن نهایی شک نکنند. این یقین و اعتماد برتر یک اختلاف بزرگ بین دو دیدگاه هینه‌یانه و مه‌ایانه است.

مفهوم «بوداسف» (بودی‌ستوه) در مه‌ایانه گسترش پیدا کرد که هر وجود (ستوه) آرزومند روشن‌شدگی (بودی) را شامل شود. به این ترتیب، بوداسف، که بعداً بودا خواهد شد، ره‌رو راه روشن‌شدگی است. شخص در نتیجه‌ی بیدار کردن آرزوی روشن‌شدگی (بودی‌چیتَه)^۳ در دلش و بستن چهار عهد یا چهار سوگند عام بوداسف، بوداسف می‌شود. نام بوداسف گویای این است که شخص در پی آن است که دیگران همه را، نه فقط خودش را، به روشن‌شدگی برساند.

دوم، مه‌ایانه بر اهمیت عمل نودوستانه‌ی در این زندگی تأکید می‌کند، نه گریز و خلاصی از بندهای وجود که مطلوب هینه‌یانی‌ها است، که در درجه‌ی اول علاقه‌مند به مسأله کیفر کَرَمه‌یی^۴ و رهایی از رنجی هستند که

1. buddhagotra

2. pāramitā

3. bodhicitta

4. karma

ذاتی وجود است. مقصد آرَهت هینه‌یانه رسیدن به رهایی از چرخه‌ی زاد و مرگ و رسیدن به حالت آرام آرمانی نیروانه (پا. نیبانه)^۱ بود.

سنساره، یا «دور پرگار وجود» را دوباره زاییده شدن و گاهی تناسخ ترجمه می‌کنند. در این چرخه، که بنیادش بر فریب و پندار است، کیفر کَرَمه‌یی خوب و بد بر جانداران فرمان می‌راند. جانداران بسته به نوع کَرَمه‌یی که در زندگی‌شان اندوخته‌اند، دوباره در یکی از شش راه وجود متولد خواهند شد. وقتی کَرَمه‌ی شخص خوب باشد شاید به صورت انسان یا یک موجود آسمانی (دیوه) متولد شود، اما اگر بیش‌تر کَرَمه‌اش بد، یا ناسالم باشد، در دوزخ یا به صورت ارواح گرسنه (پرِیته)^۲، یا جانور یا آسوره^۳ (اهریمن) زاییده خواهد شد. آیین بودا این مفهوم را از اندیشه‌ی هندی پیشابودایی ارث برده است.

نیروانه، که ضد سنساره است، به معنی «آرامش» و خاموشی، یا حالتی است که در آن آلایش‌هایی که شخص را به سنساره می‌بندد خاموش شده یا محو و از میان رفته‌اند. هینه‌یانه آن را شرط بالاترین روشن‌شدگی می‌دانست. عمل بوداسف. مهاییانه نه رنج سنساره را نفی می‌کرد، و نه آرامش نیروانه را تنها مقصد خود قرار می‌داد، چون دلبستگی اصلی بوداسف این است که دیگران را به روشن‌شدگی برساند. حتا اگر عمل خودش به کمال نرسیده باشد. این دلبستگی ذاتی اولین سوگند عام بوداسف است: «هر قدر هم جانداران بی‌شمار باشند عهد می‌کنم که آن‌ها را به رهایی برسانم.» بوداسف دل‌مشغول و نگران رنج یا آرامش و کیفر کَرَمه‌یی یا دوباره زاییده شدن نیست. او یقیناً از رنج نمی‌پرهیزد، می‌بایست به آن‌هایی که درد می‌کشند و رنج می‌برند آسایش ببخشد، به اختیار خود مقصد و منزلگاه‌ها یا دوباره زاییده شدن ناخوشایند را می‌پذیرد که در رنج ساکنان آن‌ها شریک باشد. خلاصه، هدف اصلی مهاییانه

1. nirvāṇa / nibbāna

2. preta

3. asura

به‌جا آوردن و وفا کردن به سوگند بوداسف است که می‌خواهد همه‌ی جانداران را به روشن‌شدگی برساند، نه این که فقط خودش به نیروانه برسد. سوم، که نتیجه‌ی این مقصد است، مهاییانی‌ها متوجه شدند که هینه‌یانه تأکید نا‌لازمی بر فواید شخصی عمل دارد؛ آن‌ها در واکنش به این کار، بر عمل نوع‌دوستانه تأکید می‌کردند. آن‌ها از این ناخشنود بودند که می‌دیدند در نظریه‌ی بنیادی چهار حقیقت جلیل و راه هشتگانه‌ی جلیل هینه‌یانه انحصاراً روی خودپروری و رسیدن به کمال خود متمرکز شده‌اند، پس مهاییانی‌ها نظریه‌ی نوی آوردند، یعنی شش کمال (شَد پارمیتا)، که جوهر عمل بوداسف است. آن‌ها در این نظریه امکاناتی برای خدمت به دیگران گنجانده بودند که کمبود ظاهری روش عمل در راه هشتگانه را جبران می‌کرد. مفهوم نوع‌دوستانه‌ی عمل را با رسمیت دادن چهار شیوه (بخشندگی، کلمات مهرآمیز، رفتاری که به دیگران خوبی می‌کند و خیر می‌رساند، و با غم‌خوارگی شکل جاندارانی را به خودگرفتن که باید به آن‌ها نیکی کرده شود.) وضوح بیش‌تری پیدا کرد، و بوداسف با این چهار شیوه یا وسیله جانداران را به رهایی هدایت می‌کند. بخشندگی، که اولین کمال از شش کمال و محور عمل غم‌خوارگی است، بنیاد هر یک از آن چهار شیوه آموزه است.

شش کمال (شَد پارمیتا) شش نوع عمل‌اند که هر بوداسفی به آن‌ها دل می‌سپارد که به روشن‌شدگی و بوداگی برسد. این‌ها کمال‌های بخشندگی؛ سلوک یا به‌جا آوردن و رعایت دستورها (شیله)^۱؛ بردباری یا تحمل؛ ایستادگی یا جهد؛ دیانه^۲ یا مراقبه؛ پرگیا^۳ یا فراشناخت. شش کمال نه فقط همه‌ی اعمال راه هشتگانه را در بر می‌گیرد بلکه دو عمل هم به آن اضافه می‌کند که بُعد اجتماعی دارند، یکی بخشندگی و دیگری بردباری. این اعمال مشخصه‌ی دلبستگی مهاییانه به عمل نوع‌دوستانه‌اند.

1. śīla

2. dhyāna

3. prajñā

تناظر بین راه هشتگانه و شش کمال

شش کمال	راه هشتگانه
بخشندگی	شناخت درست
سلوک	اندیشه‌ی درست
بردباری	گفتار درست
کوشش	کردار درست
دیانه / مراقبه	زیست درست
فراشناخت	کوشش درست
	آگاهی درست
	یکدلی درست

مهایانه، خصوصاً با قرار دادن بخشندگی در صدر کمال‌ها، بر لزوم حمایت متقابل در میان اعضای جامعه تأکید می‌کرد. عمل بخشندگی به بوداسف‌ها توانایی می‌بخشد که به غم‌خوارگی‌شان عمق ببخشند و از این راه نکوکردها یا ثواب‌هایی کسب می‌کنند که ذاتی این عمل است.

شارحان کلاسیک مهایانه و سنت‌های هینه‌یانه‌ی غیر تیره‌واده هر دو، عموماً بر این نظرند که سه اَسَنکِیَه^۱ و صد کلْپَه‌ی بزرگ می‌کشد که بوداسف عمل به پازمیتاها یا کمال‌ها را به کمال برساند، حال آن‌که آیین بودای پالی بر آن است که هر بوداسفی به چهار اَسَنکِیَه و صد هزار کلْپه نیاز دارد که عملش را به کمال برساند. اَسَنکِیَه (به معنی «بی‌شمار») یک دوران زمانی و رای حد فهم و تصور است. هر کلْپه، دورانی است که هزاران میلیارد سال به درازا می‌کشد، و دورانی است که در طی آن کیهان یا عالمی پیدا می‌شود، می‌ماند،

زوال می‌یابد و فرو می‌باشد یعنی تجزیه می‌شود. واحد پایه یک کله‌ی کوچک است. از هشتاد کله‌ی کوچک یک کله‌ی بزرگ (مها کله) ساخته می‌شود و صد کله‌ی بزرگ ضربدر یک آسنکیه، یک آسنکیه کله تشکیل می‌دهند.

اگرچه مه‌ایانه از سراو که‌ها به این خاطر انتقاد می‌کند که این‌ها فقط به فکر روشن‌شدگی خودشان‌اند و به دیگرانی که پیرامون‌شان هستند توجهی ندارند، اما این منصفانه نیست. آرَه‌ت‌ها با کامل کردن خود از راه چهار حقیقت جلیل و راه هشتگانه‌ی جلیل آماده‌اند که به دیگران تعلیم بدهند و آن‌ها را به روشن‌شدگی هدایت کنند. این مفهوم در معنی لغوی آرَه‌ت، به معنی ارزنده و ارجمند، مستتر است.

چهارمین محل اختلاف درباره‌ی هستی‌شناسی، مطالعه‌ی متافیزیکی سرشت وجود و تهیت (شوئیتا)^۱ است. شاکیه‌مونی بحث هستی‌شناسی را ممنوع دانسته بود، که این در مکتب‌های فلسفی غیر بودایی زمان او رایج بود، با این استدلال که چنین نظریه‌پردازی هیچ کمکی به حل مشکلات بالفعل زندگی انسان نمی‌کند. او گفت چیزی را که باید مطالعه کرد خود وجود نیست بلکه نمودها یا پدیده‌هایی است که آن را در بر گرفته‌اند. تنها سؤال‌هایی که شایسته‌ی توجه‌اند شرایط چنین پدیده‌هاست، چه‌طور به آن‌ها پردازیم، و نگرش درست انسان به آن‌ها کدام است. این قانون همزایی مشروط (پرتیثیه سموتپاده)^۲ است. همه‌ی نظریه‌های بنیادی آیین بودا، از جمله چهار حقیقت جلیل، راه هشتگانه و دوازده حلقه‌ی زنجیره همزایی مشروط برگرفته از این دیدگاه‌اند.

با گسترش مکتب‌ها در داخل آیین بودا، بیش از پیش به مسائل نظری

1. sūnyatā

۲. سن. pratītya-samutpāda. پا. paṭicca-samuppāda

گرایش پیدا کردند و کم‌تر به مسائل عمل توجه داشتند، و با شروح و رسالات فراوانی (آبی‌درمه / آبی‌دمه) به بحث در موضوعات هستی‌شناختی، خصوصاً در باب وجود، پرداختند. مهاییانی‌ها از این توجه به وجود انتقاد کرده آن را انحرافی از آیین بودای آغازین و اصیل می‌دانستند. آن‌ها در تلاش‌شان به این که جان تازه‌یی به آموزه‌های شاکیه‌مونی بدهند، بر حالت بالفعل وجود و بر کاری که باید در پرتو تهیت (شوئیتا) فراشناخت (پرگیا) کرد تأکید می‌کردند. آن‌ها در این کارشان نظریه آغازین همزایی مشروط را احیا کردند.

از آن چه گفته شد روشن می‌شود که مهاییانی‌ها بر عمل تأکید می‌کردند نه بر نظر — که این پنجمین محل نزاع بود. مکتب‌های آبی‌درمه خودشان را وقف مطالعاتی کرده بودند که بسیار تخصصی بود و به نظریه می‌پرداختند که این‌ها را فقط رهبان‌های دانشمند که به طرز خاصی آموزش دیده بودند می‌فهمیدند. مهاییانی‌ها این را تباهی و برگشت از عمل دینی می‌دیدند. اگرچه مهاییانی‌های قدیم درگیر بحث نظری بودند، اما در داخل حدود نظریه‌ی آغازین مانده بودند و فقط به آن مسائلی می‌پرداختند که لازمه‌ی روشنگری بنیاد عمل بود. گذشته از این‌ها، دل‌مشغولی مکاتب آبی‌درمه به مطالعات فلسفی، بیش از پیش پیچیده به مناقشه‌های بسیاری کشید، که حل و فصل آن‌ها مهم‌تر از عمل دینی شد. مهاییانی‌ها با تأکید بر ایمان و عمل کوشیدند چیزی را که آن‌ها آن را نفوذ آسیب‌رسان مدرسه‌گرایی و استدلال به خاطر استدلال می‌دانستند اصلاح کنند.

ششمین محل نزاع درباره‌ی نقش‌های «پیش‌نشین» و رهبان بود. «پیش‌نشین» آن بودایی مؤمن است که در شمار رهبانان نیست. او به زندگی دنیایی می‌پردازد. مطالعات پیچیده‌ی آکادمیک مکتب‌های آبی‌درمه، که برای فهم عام مردم خیلی تخصصی بود، به طور کلی نقشی در پیشرفت ایمان و عمل دینی این مؤمنان نداشت. رهبان‌ها که در صومعه‌های‌شان در دیرها در را به

روی خودشان بسته بودند و خودشان را وقف مطالعات نظری و عقیدتی کرده بودند، نمی‌توانستند نقش‌شان را در مقام رهبران دین اجتماع مؤمنان «پیش‌نشین» انجام دهند.

در تلاش به چاره‌گری این نقص بود که مہایانی‌ها طرح عمل‌ش کمال را ریختند که یک راه آسان‌فہم ایمان و عمل را فراهم آورند. ہر کسی به خصوص می‌تواند بہ کمال بخشندگی، عمل کند، خواه او پیرو «پیش‌نشین» باشد یا زہبان، و این کمال غم‌خوارگی عمیق و عمل ناخودپرستانہ را تعلیم می‌دہد. بخشندگی را عمل دور از خودپرستی و نامشروطی می‌دانستند کہ در آن هیچ دانستگی بہ دہندہ یا گیرندہ بودن و هیچ فکر پاداش یا اجر از عمل بخشندگی وجود ندارد. کمال بخشندگی کہ یافتہ شود، کمالات دیگر را می‌توان با همان دل‌کنندگی برتری کہ ریشہ در تہیت، یا شونیتا، دارد بہ جا آورد. وانگہی، مہایانہ تعلیم می‌داد کہ حقیقت فرجامین آیین بودا در اعمال روز بہ روز مؤمن «پیش‌نشین» است، طوری کہ خود زندگی روزمرہ جایگاہ و صفہی روشن‌شدگی (بودی‌مندہ)^۱ است، و محل رسیدن بہ روشن‌شدگی۔ بوداسف و یاری رساندن بہ دیگران کہ چنین کنند.

تحول و ترتیب تاریخی

آیین بودا را می‌توان بر اساس تحول تاریخی عقاید و نظریہ‌های آن، کہ بیش‌تر آن‌ها در ہند اتفاق افتاد، دستہ‌بندی کرد. بنا بہ این روش، سہ بخش گسترده و پہناور وجود دارند: آیین بودای آغازین، آیین بودای آبی‌ذرقہ، و مہایانہ.

آیین بودای آغازین^۱

آیین بودای آغازین نامی است که به کهن‌ترین دوره‌ی آیین بودا داده‌اند، یعنی از زمان شاکیه‌مونی تا در حدود ۳۵۰ ق.م، کمابیش صد سال بعد از مرگ او. در طی این فاصله هیچ نشانی از تقسیم‌بندی فرقه‌یی آشکار نبود؛ یک گروه حامل آیین بودا به شکل اصلیش بود.

بعضی دانشمندان این دوره را به دو قسمت می‌کنند، یکی آیین بودای نخستین (آیین بودای شاکیه‌مونی و شاگردان بلافضلش، که تا در حدود سی سال بعد از مرگ او امتداد پیدا می‌کند) و آیین بودای آغازین در محدودترین معنای آن (که دوره‌ی بعدی، تا شکاف فرقه‌یی در حدود ۳۵۰ ق.م را می‌پوشاند). این تقسیم‌بندی به طور نظری درست است، چون منطقی است فرض کنیم که آیین بودای خود شاکیه‌مونی متفاوت از آیینی بود که شاگردان بلافضلش آن را تجربه و تعبیر می‌کردند، اما اسناد و مدارک موجود یک چنین تقسیمی را تأیید نمی‌کنند.

آگمه‌ها^۲ قدیمی‌ترین مجموعه‌های سوتره‌ها،^۳ سوره‌ها یا گفتارهای بودا، هستند. این‌ها، همراه با مجموعه‌های مقررات و احکام رهبانی موسوم به وینیه پیتکه، مستقلاً از سوی هر یک از مکتب‌های زائیده‌ی این تفرقه منتقل می‌شدند اگرچه سرچشمه‌ی آگمه‌ها و وینیه پیتکه‌ها در زمان شاکیه‌مونی بود، اما تا بعد از رشد فرقه‌گرایی شکل‌نهایی خود را پیدا نکردند. بعضی نظریه‌های فرقه‌یی به نوشته‌های موجود رنگ می‌دهند، در نتیجه نمی‌توان مستقیماً از این مصالح و مواد آموزه‌های موجود آیین بودای آغازین را درآورد. فقط می‌شود درباره‌ی این دوره از آیین بودای آغازین دست به تعمیم‌هایی زد، یعنی با مقایسه‌ی سوتره پیتکه‌ها (سوتره پیتکه) و وینیه پیتکه‌های مکتب‌های گوناگون و یکی دانستن نکاتی که همه در آن متفقند.

1. Primitive Buddhism

2. Āgama

3. sūtra

آیین بودای آبی دَرَمَه

در حدود ۳۵۰ قم انجمن بودایی (سَنگه)^۱ با مناقشهی سرر تعبیر نظریه‌ها و مقررات و ضوابط رهبانی شکاف برداشت و تقسیم شد. یک گروه پیشرو، یعنی مَهاَسَنگیکه^۲ (انجمن بزرگی‌ها)، سنت‌گرایی صوری و خشکه مقدسی محافظه کارهای معروف به تیره واده (سن. استویره واده)، «آن‌هایی که از آموزه‌ی پیران حمایت می‌کنند» را به چالش گرفتند.

تاریخ‌های بودایی پالی و شروح آن‌ها دو تعبیر از تفرقه و شکاف اولیه ارائه می‌دهند. تعبیر اول بر این است موقعی که پیشرفت عمل‌گرا در میان رهبان‌ها رعایت ده عمل مورد نزاع را در مقررات رهبانی پیشنهاد می‌کند، که قوانین سنتی را با مقتضیات زمان، رسوم محلی، و جغرافیا سازگار می‌کند، رهبانان پیشکسوت شوای دوم را برگزار کردند. این اعمال را پیران گروه محافظه کار بدعت دانسته محکوم کردند، و این نزاع به شکاف میان مَهاَسَنگیکه‌ها و تیره وادین‌ها منجر شد. دومین تعبیر بر آن است که این شکاف در نتیجه‌ی نزاع سرر-پنج نظر یا نکته‌یی پیدا شد که آرَهَت را کم‌ارج می‌دانست و رهبانی به نام مَها دیوه^۳ آن را آورده بود. با این پنج نکته پیران محافظه کار به مخالفت برخاستند اما خیلی از رهبان‌های جوان‌تر از آن‌ها حمایت کردند.

هر چه رخ داده باشد، گویای این است که اصطکاک بزرگی در انجمن بودایی سرر تعبیر نظرها و احکامی، که در سوَتره پیثکه‌ها و وینیّه پیثکه‌ها، آمده پیدا شده بود. همان‌طور که آیین بودا در نتیجه‌ی حمایت آشوکا (پاد. ح ۲۷۳-۲۳۲ قم)، امپراتور سلسله‌ی مَتوریه^۴ در سراسر هند و به ورای آن گسترش پیدا می‌کرد، ارتباط میان انجمن‌های محلی رو به زوال رفت، پیوندهای میان گروه‌ها سست شد، و یک روحیه‌ی خودمختاری رشد پیدا

1. samgha

2. Mahāsanghika

3. Mahādeva

4. Maurya

کرد. فاصله‌ی جغرافیایی با اختلافات عقیدتی پیوند خورد و باعث تحول در مکاتب شد. شکاف اولیه، که منجر به تأسیس مهاسنگیکه و تیره‌واده شد، همه‌ی مسائل را حل و فصل نکرد، و دویست یا سیصد سال بعد آیین بودا به هجده (یا، بیست) مکتب تقسیم شد. فرقه‌گرایی بعد از این شکاف اول است که آن را آیین بودای آبی‌درمه اصطلاح کرده‌اند.

قابل فهم است که سوّتره پیتکه‌ها و وینه پیتکه‌ها که از دوره‌ی کهن‌تر نقل می‌شدند موقعی که وارد کانون یا قانون‌های این یا آن مکتب می‌شدند مورد بازبینی قرار گرفته باشند. علاوه بر این، هر مکتبی یک آبی‌درمه پیتکه پدید آورد، که مجملی از شرح آرا و عقاید آن مکتب است، که در کانون آن مکتب گنجانده شده بود. غرض از آبی‌درمه‌ها (در لغت، «آن‌چه درباره‌ی درمه است») توضیح و تعریف مصطلحات و مفاهیمی بود که در آگمه‌ها (درمه، یا آموزه‌ی بودا) آمده بودند و ضبط نتایج مطالعات فلسفی و عقیدتی که از طبقه‌بندی و سازمان‌دهی وینه و نظریات سوّتره‌ها پیدا شده بود. چون آبی‌درمه بعد از پیدایی مکتب‌ها پیدا شدند، کاملاً از این مکتب به آن مکتب با هم فرق داشتند.

با کامل شدن آبی‌درمه پیتکه‌ها، سه بخش کانون، یا تری‌پیتکه (سه سبد)، کامل شد. سوّتره پیتکه و وینه پیتکه، که تاریخ‌شان به دوره‌ی آیین بودای آغازین می‌رسید، به طور کلی در مکتب‌های گوناگون مشابه‌اند، اما آبی‌درمه پیتکه‌ها، که مستقلاً کامل شده‌اند، اختلافات میان مکتب‌ها را به روشن‌ترین شکل نشان می‌دهند. آبی‌درمه‌ها خیلی شکل‌صوری و رسمی به خود گرفته و پیچیده‌اند طوری که یک شخص متوسط مشکل بتواند از آن‌ها چندان بهره‌ی ببرد.

همچنین هر مکتبی سنت خاص خود را درباره‌ی اسم آن هجده یا بیست مکتبی داشت که بعد از شکاف بین مهاسنگیکه - تیره‌واده ساخته شده بودند.

از مکتب‌ها و سلسله‌ی آن‌ها بیش از ده فهرست در دست‌اند، مهم‌ترین‌شان فهرست آیین بودای پالی و فهرست سرواشتی‌وادین‌ها (کسانی که به نظریه‌ی «همه هست» معتقدند) هستند، که این‌ها نافذترین همه‌ی مکتب‌های پیشامهایانه‌اند.

بعداً، مؤله سرواشتی‌واده^۱ (سرواستی‌واده‌ی ریشه‌یی، یک گروه درست‌پندار که در قرن چهارم یا پنجم میلادی از جریان اصلی سرواشتی‌وادین کنار کشید)، همه‌ی مکتب‌ها را در چهار گروه قرار داد: سرواشتی‌واده، مهاسنگیکه، سمّتیّه^۲ و استویره‌واده^۳. این تقسیم مهم است، برای این‌که دو رهبان و زائر چینی، شیوان زانگ (۶۰۰-۶۶۴) و یی جینگ (۶۳۴-۷۱۳)، بعد از بازگشت‌شان به چین از این تقسیم‌بندی برای روشن کردن آیین بودای هندی معاصر‌شان استفاده کردند، موقعی که شیوان زانگ و یی جینگ به هند سفر کردند، فقط مکتب‌های بخش شمال غربی هند (ناحیه‌یی که حالا پاکستان است) از این تقسیم چهارگانه پیروی نمی‌کرد. آن‌ها یک دسته‌بندی پنج‌گانه را برای مکتب‌هایی که در آن ناحیه فعال بودند ترجیح می‌دادند: سرواشتی‌واده، مهی‌شاسکه^۴، درمه‌گوپتکه^۵، کاشییه^۶ و لوکوتره‌واده^۷.

بنا بر توالی تاریخی که این‌جا در نظر گرفته شده، مکتب‌های آبی درمه به تنهایی فقط در حدود سیصد سال را اشغال می‌کنند، دوره‌یی که به دنبال آیین بودای آغازین و پیش از پیدایی مهاییانه می‌آید. اما بعد از شروع عصر مسیحی، مکتب‌های آبی درمه در کنار آیین بودای مهاییانه در بخش‌های

1. Mūla-Sarvātivāda

2. Sammatīya

3. Sthaviravāda

4. Mahiśāsaka

5. Dharmaguptaka

6. Kaśyapiya

7. Lokottaravāda

گوناگون هند همزیست بودند و نفوذ خود را داشتند. بنا به شرح شیوان زانگ، که در ۶۲۹ از چین راهی هند شد و در ۶۴۵ به چین برگشت، شمار پیروان هینه‌یانه از شمار پیروان مَهایانه بیش‌تر بود، و مبنای قضاوت او تعداد معابد و رَهبان‌های وابسته به هر یک است.

آیین بودای مَهایانه

مهایانه یک جنبش اصلاحی بود که در حدود قرن اول ق م، در واکنش به آیین بودای قالب‌ریزی‌شده‌ی رسمی و آکادمیک مکتب‌های آبی‌درَمه پیدا شد. مَهایانه که می‌خواست روح دینی آغازین آیین بودا را به آن برگرداند، آیین بودای آبی‌درَمه را نفی کرد، یا انگ گردونه‌ی پست‌تر (هینه‌یانه) یا انگ گردونه‌ی شئونندگان (شراو‌که‌یانه) به آن زد. کتاب‌های مقدس نو، منسوب به بودا، نوشته شدند. این‌ها را نویسندگان گمنامی می‌نوشتند که معتقد بودند اگر شاکیه‌مونی آیین را در عصر آن‌ها تعلیم می‌داد، آن را با محتوای سوتره‌های مَهایانه موعظه می‌کرد. نویسندگان این سوتره‌ها نمی‌خواستند به صورت حساب‌شده کتاب‌های مقدس تولید کنند، آن‌ها معتقد بودند که حامل آموزه‌ی حقیقی بودا هستند و سوتره‌های آن‌ها بیش‌تر از سوتره‌های مکتب‌های آبی‌درَمه بازتاب روح شاکیه‌مونی است.

مکتب‌های آبی‌درَمه ظاهراً مدعی بودند که سوتره‌های نو مَهایانه آموزه‌های شیاطین بودند، نه آموزه‌های بودا. اما اگر آموزه‌ی بودا دقیقاً به کلمات عملاً‌گفته‌ی شاکیه‌مونی تعریف شود، آن وقت حتا آموزه‌هایی هم که در آگمه‌ها آمده اصیل نیستند: آگمه‌ها تا چند صد سال بعد از مرگ بودا هنوز شکل کنونی‌شان را نگرفته بودند، و در سیر انتقال سینه به سینه‌ی آن‌ها، دانسته و ندانسته، تغییراتی در آن‌ها داده می‌شد. دانشمندان جدید متفقند که هر آموزه‌یی که آیین را امانت‌دارانه روشنگری کرده و روح آن را منتقل می‌کند

می‌توان آن را آموزه‌ی بودا دانست. از این دیدگاه، کتاب‌های مقدس مَهایانه را باید به صورت بخشی از آموزه‌های بودا پذیرفت.

مَهایانه، که به طرز روزافزونی از سوی هواخواهان پیشین مکتب‌های آبی‌دَرَمَه حمایت می‌شد به زودی در بخش‌های گوناگون هند گسترش پیدا کرد. این رشد سریع مکتب‌های آبی‌دَرَمَه را برانگیخت که دوباره به موضع خودشان نگاه کنند و اصلاحاتی را شروع کنند. اگرچه ابتدا بین این دو گروه کشمکش‌هایی پیدا شده بود، اما به تدریج به سوی همکاری بزرگ‌تری پیش رفتند که این به طور کلی یک عصر رونق آیین بودایی را نوید می‌داد. عصر طلایی آیین بودا، از نظر نفوذ و تعداد هواخواهان آن، از قرن سوم قم تا قرن پنجم میلادی دوام داشت. در طی این دوره آیین بودا به آسانی توانست خود را در مقابل مکتب‌های فلسفی برهمنی پرنفوذ نو نگه دارد. با این همه، اغراق است اگر آن را، مثل بعضی دانشمندان غربی، عصر هند بودایی بدانیم. هر چند آیین بودا شکوفایی بسیار داشت، اما فقط یک روبنای معنوی برای مردم فراهم می‌آورد. نه توانست زیربنای جامعه‌ی هندو را تغییر دهد، و نه سعی کرد که چنین کاری بکند. این ناتوانی آیین بودا در تأثیر گذاشتن در جامعه به مثابه‌ی یک کلّ دلیل اصلی ریشه‌ی عمیق نردن آن در هند است.

بعد از قرن چهارم یا پنجم، آیین برهمنی درست‌پندار جان دوباره گرفت، و این در فرایند جذب باورهای عامیانه‌ی هندی و سازگار کردن آن با بعضی نظریه‌ها و دستورهای آیین بودا بود. اما حتا موقعی که معنویت عمیق آیین بودا داشت هندویسم را تحت تأثیر قرار می‌داد، خود آیین بودا داشت مدرسی‌تر می‌شد و بیش از پیش از عمل دینی دور می‌شد. این گرایش بعد از قرن هفتم یا هشتم برجستگی بیش‌تری پیدا کرد به خاطر تهاجم‌های از سوی... هند شمال غربی، تا اوایل قرن سیزدهم آیین بودا تقریباً از شبه‌قاره‌ی هند برچیده بود.

مهایانهای آغازین

مهایانهای آغازین دوره‌یی از حدود قرن اول میلادی تا در حدود آخر قرن سوم را در بر می‌گیرد و مه‌ایانه به خالص‌ترین شکل آن است، که به روشنی بسیار روح حقیقی شاکیه‌مونی را در علاقه‌اش به ایمان و عمل نشان می‌دهد. سو‌تره‌های اصلی مه‌ایانهای آغازین تحول جریان نو اندیشه را درباره‌ی سرشت بودا، عمل بوداسف، و مفهوم تهیت (شوئیتا) به عنوان ذات همه چیز باز می‌تابند. شاید قدیمی‌ترین این متن‌ها، سو‌تره‌ها، سوره‌های کمال فواشناخت (پرگیاپامیتا سو‌تره) باشند، گروهی از آثار به هم مرتبطی که اندازه‌های متفاوتی دارند.

شارحان بزرگ این دوره این‌ها بودند: ناگارجوئه^۱ (۱۵۰-۲۵۰)، بنیادگذار شناخته‌شده‌ی مکتب مذیمکه^۲ (راه میانه)ی مه‌ایانه، و آریه‌دیوه^۳ (همچنین معروف به کانه‌دیوه)، شاگرد ناگارجوئه.

مهایانهای میانه

مهایانهای میانه از حدود ۳۰۰ تا میانه‌ی قرن هفتم میلادی دوام داشت، هم‌زمان بود با دوره‌یی از فعالیت فکری بزرگ در مکتب‌های غیر بودایی، خصوصاً شش مکتب درست‌اندیش فلسفه‌ی هندو (شد دژشنه: پوروه میمانسا، ویدانته، سانکیه، یوگا، نیایه و ویششیکه). آیین بودا در رقابت با آن‌ها مجبور شد یک بنیاد فلسفی و منطقی پی‌ریزی کند، و به این نحو تغییر جهتی به طرف مناظره‌ی فلسفی در هر دو مکتب هینه‌ایانه و مه‌ایانه ظاهر شد. در نتیجه، سو‌تره‌ها و رسالات این دوره بیش‌تر به صورت رسالات فلسفی خوانده می‌شوند تا به شکل اسنادی که به ایمان دلالت می‌کنند. اگرچه این دوره از نظر معنوی برای

1. Nāgārjuna

2. Madhyamaka

3. Aryādeva

آیین بودا یک دورهی انحطاط بود، اما مَهایانه به عنوان یک فلسفه بعضی از برجسته‌ترین اندیشه‌ی تمام زمان را نشان داد، خواه در داخل آیین بودا خواه به طور کلی در داخل فلسفه‌ی هندی. در واقع مکتب‌های غیر بودایی خیلی از نظرهای فلسفی را از آیین بودا پذیرفتند.

مَهایانه حالا دل یا آرزوی روشن‌شدگی (بودی‌چیته)، و سرشت بودا (بوداگوته) یا تَنگه گَرَنه^۱ (زهدان چنین آمده) را — که فطرت یا قوه‌ی یافتن بوداگی ذاتی در همه‌ی جانداران است — به عنوان سرچشمه‌ی این آرزو و اشتیاق تأکید می‌کرد. مَهایانه همچنین مفهوم سنتی هینه‌یانه، یعنی نه - خود - جانداران را بسط داد، به این معنی که نه - خود - جانداران و نه - خود - دَرَمه‌ها را مسلم پنداشت. همان‌طور که علاقه به سرشت دل عمق پیدا می‌کرد، مَهایانی‌ها نظریه‌ی مراحل نهفته‌ی دانستگی، دانستگی - مَنَس و دانستگی - آلیه،^۲ یا انبار دانستگی، را به نظریه‌ی سنتی شش دانستگی (ویگیانه)^۳ اضافه کردند. بالاخره، پژوهش کاملی در نظریه‌های درباره‌ی بوداسف، کالبد‌های یک بودا، عوالم بودا، و نیروان صورت گرفت.

مکتب‌های بزرگ مَهایانه‌ی این دوره این‌ها هستند: مَذیمکه (راه میانه) و یوگاچاره^۴ (عمل یوگا) بودند، که به ویگیانه‌واده^۵ (دانستگی فقط) هم معروف است. مَذیمکه، مبتنی بر رساله در بیان میانه (مادیمیکه شاستره) ی ناگارجونه، بسیار تأثیرگذار بود. سرانجام این مکتب به دو جریان تقسیم شد، یکی پراسنگیکه^۶ و دیگری سوانتربیکه^۷. نظریه‌ی این مکتب تهیت (شونیتا) بود. مکتب یوگاچاره، که آسنگه^۸ و وسوبندو^۹ آن را بنیاد گذاشتند، علاقه‌مند به

1. Tathāgata-garbha

2. ālaya-vijñāna

3. vijñāna

4. Yogācāra

5. Vijñānavāda

6. Prāsaṅgika

7. Svātantrika

8. Asaṅga

9. Vasubandhu

سرشت دل (منَس) ^۱ بود و بیش‌تر به خاطر نظریه‌ی دانستگی فقط آن (ویگیتی مائراتا) ^۲ معروف بود. این هم تقسیم شد، و بعداً یک مکتب تلفیقی پیدا شد که عناصر مذیمکه و یوگاچاره را ترکیب می‌کرد.

تأثیرگذارترین مکتب‌های آبی‌دَرَمَه شاخه‌های سَرواستی‌وادین بودند، یعنی ویباشیکه ^۳ و سَوتُرانتیکه ^۴ (آن‌ها که فقط سَوتَره‌ها را معتبر می‌دانند). در چین سَرواستی‌وادین‌ها را آبی‌دَرَمَه‌های نمونه می‌دانستند، و خیلی از کتاب‌های آن‌ها را ترجمه کرده بودند، از جمله شرح بزرگ (آبی‌دَرَمَه مَهاویاشا شاستره)، آبی‌دَرَمَه کوشه شاستره، رساله‌ی مبسوط در بیان ذات آبی‌دَرَمَه (سَم‌پُکتابی‌دَرَمَه هریذیه شاستره)، و رساله در پی آموزه‌های حقیقی آبی‌دَرَمَه (آبی‌دَرَمَه نیانوساره شاستره).

بزرگ‌ترین رساله یا شاستره‌نویسان این دوره از جریان یوگاچارین بودند. مَیتریه‌ناته ^۵ (یا، مَیتریه؛ ۲۷۰ — ۳۵۰) رساله در بیان بوم‌های عمل یوگا (یوگاچاره‌بومی شاستره) را نوشت، که خیلی از اندیشه‌ی مکتب یوگاچاره بر آن بنا شده است. شاگردش اَسنگه (قرن چهارم تا پنجم) آموزه‌های عمل یوگا و دانستگی / دل فقط را روشن‌گری کرد در رساله‌ی جامع در بیان آیین بودای مَهایانه (مَهایانه سَم‌گَرَهه) و رساله در بیان آرایش سوره‌های مَهایانه (مَهایانه سَوتَره‌النکاره). و سَوبندو، برادر کوچک‌تر و شاگرد اَسنگه، مؤلف کتاب‌هایی درباره‌ی نظریه دانستگی / دل فقط بود، از جمله بیست شعر در بیان نظریه‌ی دانستگی فقط (ویمشیکا ویگیتی مائراتا سیدی) و سی شعر در بیان نظریه‌ی دانستگی فقط (تریمشیکا ویگیتی مائراتا سیدی).

رسالات در بیان سرشت بودا و زهدان تنگنه شامل رساله در بیان سرشت بودا

1. manas

2. vijñapti-mātratā

3. Vaibhāṣika

4. Sautrāntika

5. Maitranātha

(بُودَه گوتره شاستره)، منسوب به وَسُوبَدُو، و رساله در بیان گوهز سرشت (زُتَه گوتره ویاگه مهاییانوتَرَه شاستره)، رساله در بیان بیداری ایمان در مهاییانه (مهاییانه شَرَدُو پَاده شاستره) عناصر نظریه‌ی یوگا چاره و فلسفه‌ی سرشت بودا هر دو را با هم ترکیب می‌کند. این رساله را به رَهبان قرن دومی، اَشَوَه گوَشَه، نسبت داده‌اند، اگرچه خیلی از دانشمندان بر این نظرند که این رساله واقعاً در چین نوشته شده بود.

مهاییانه‌ی پسین

آخرین دوره‌ی آیین بودای مهاییانه از میانه‌ی قرن هفتم تا اوایل قرن سیزدهم دوام داشت، و این موقعی بود که آیین بودا از هند ناپدید شد. این یک دوره‌ی نوزایی دینی بود، در واکنش به دلمشغولی قدیمی تر علائق فلسفی و مدرسی. به طور کلی، یک گرایش قوی به ارائه‌ی آرمان بودایی از طریق نمادها در کار بود، به این نحو دستاوردهای مدرسی دوره‌ی پیشین را آسان فهم تر می‌کند. تا حدی، این عمل تحت تأثیر آن نمادگرایی غنی بود که در ادبیات تئتریک پیدا شد و بعد در سراسر هند عمومیت پیدا کرد.

آیین بودای خاض فهم یا تئتریک (که نماینده‌اش در ژاپن فرقه‌ی شین‌گون یا کلمه‌ی حقیقی بود) «اسرار» نگفتنی را نمادین می‌کند: کالبد بودا را با مؤدراها (حرکات نمادین دست‌ها و انگشت‌ها) و گفتارش را با مَتره‌ها (اوراد؛ در لغت «کلمات حقیقی»، و دلش را با مشاهده‌ی بودا به مثابه‌ی نمادین شده در حروف «هجای تخم» (بیجه). این سه عمل سه سَز خوانده می‌شود. آیین بودای پر از نماد خصوصاً در ناحیه‌ی خاستگاه آیین بودا، یعنی هند شمال شرقی، رواج داشت. سرانجام آیین بودا با باورهای منحنط عامیانه مخلوط شد و آرمان‌های حقیقی‌ش گم شدند. با زوال آیین بودا، این مکتب نتوانست از پس چالش اسلام و هندوئیسم برآید و در هند از نفس افتاد.

خیلی از سوره‌های دوره‌ی پسین مه‌ایانه حاوی اوراد و اذکار (دارنی) و قواعد آیین‌ها و آداب است. تأثیرگذارترین این سوره‌ها این‌ها هستند: سوره‌ی خورشید بزرگ (مهاویروخته سوتره)، سوره‌ی سیتغ الماس (وَجَرَه‌شیکَره سوتره)، و سوره‌ی کامیابی بزرگ (سُوسیدِی‌کَره سوتره). اگرچه خیلی از کتاب‌های خاص فهم، یا باطنی، به چینی ترجمه شدند، اما مقدار زیادی فقط در ترجمه‌ی تبتی شناخته شده‌اند. آیین بودای تبتی، یا لامایسم، خیلی از عناصر آیین بودای خاص فهم را در خود گنجانده و کتاب‌های مقدس آن برای مطالعه‌ی هم مه‌ایانه‌ی هندی پسین و هم شروح دوره‌ی میانه بسیار ارزشمندند.

تقسیم جغرافیایی

در قرن اول میلادی آثار آبی‌دَرَمَه و مه‌ایانه از طریق آسیای مرکزی و آسیای جنوب خاوری به چین برده شد. بعدها، آیین بودای چینی به شبه‌جزیره‌ی کره و ژاپن برده شد. آیین بودا در حدود قرن هفتم به تبت رسید و از آن‌جا به مغولستان و منچوری برده شد. در این میان، تا قرن چهارم یا پنجم آیین بودا به خوبی در سوماترا، جاوه و بورنئو پا گرفت، همه‌ی این سرزمین‌ها در طول راه دریایی جنوبی هند به چین واقع بودند.

بیش‌تر این انتقال مه‌ایانه بود، اگرچه مکتب‌های آبی‌دَرَمَه در سری لانکا، برمه، تایلند، کامبوج و لائوس نفوذ داشتند. تقسیم آیین بودا به شمالی و جنوبی بر آن است که نواحی شمالی (مه‌ایانه) را از نواحی جنوبی (تیره‌واده) جدا کند، اما این طبقه‌بندی دیگر نه از نظر جغرافیایی و نه عقیدتی چندان کارساز و روشن نیست. مثلاً، آیین بودای سوماترای باستانی و جاوه، که از نظر جغرافیایی جنوبی‌اند، از نظر عقیدتی به آیین بودای سنت شمالی نزدیک‌ترند.

آیین بودای جنوبی

آیین بودای جنوبی آیین بودای سری لانکا، برمه، تایلند، کامبوج، و لاوس است. از نظر عقیدتی مشتق از آیین بودای آبی درمه است، و عموماً به تیره‌واده، یا آیین بودای پالی معروف است. پالی زبانی است که کانون آیین بودای جنوبی به آن نوشته شده است. باگسترش تیره‌واده از سری لانکا به برمه و تایلند پالی زبان مشترک میان رهبانان است. پالی مشتق از یک گویش هندی غربی باستانی، پراکريت یا پرکريت، وابسته به پیشاچی، یا پرکريت هندو آریایی میانه، است. همچنین حاوی برخی عناصر ماگدی قدیم، زبانی که بودا گفتارهایش را به آن گفت، در مقابل سنسکريت باستانی که کتاب‌های مقدس برهمنی به آن زبان است. از آن‌جا که آیین بودای جنوبی از تیره‌واده‌ی هند غربی پیدا شده، که به پیشاچی منتقل شده بود، عناصر ماگدی در پالی احتمالاً احترام به شاکیه‌مونی و کلمات حقیقی او را منعکس می‌کنند. از پرکريت‌های شناخته‌شده، پالی از همه به سنسکريت نزدیک‌تر است. تنها زبان نزدیک‌تر سنسکريت ناسره‌ی بودایی است. پالی را امروزه فقط آیین بودای تیره‌واده حفظ کرده است، و تعداد آثار پالی از آثار پرکريت‌های دیگر بیش‌تر است. پالی هرگز برای مجموعه‌ی دیگر ادبیات در هند به کار نرفت.

انتقال اول آیین بودا به بیرون از هند به سری لانکا بود در قرن سوم ق م، در وقت پادشاهی آشوکا، امپراتور سلسله‌ی مؤثره، که بعداً تقریباً به تمام شبه‌قاره فرمانروایی کرد. او بودایی پارسا و مشتاقی بود که می‌خواست این دین را در سراسر جهان شناخته منتشر کند. سنت پالی نقل می‌کند که در زمان او مبلغانی به نه محل، هم در داخل و هم به خارج هند فرستاده شدند، و پسر آشوکا، مهینده، آیین بودای تیره‌واده را به سری لانکا برد.

در سری لانکا آیین بودا با حفاظت و حمایت فعال چندین فرمانروا رونق گرفت و همچنان عملاً دین ملی است. اما این دین با دوره‌های زوال روبه‌رو

شد، و زجر و آزارها دید و این وقتی بود که این جزیره را مهاجمان اشغال کردند، که معروف‌ترین آن‌ها تامل‌های هندو، پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و بریتانیایی‌های مسیحی بودند. سرکوبی که مسیحیان کردند، که در اوایل قرن شانزدهم شروع شد و بیش از چهارصد سال استمرار داشت، به‌خصوص سخت و سنگین بود، و «انجمن» بودایی در سراسر دوره‌ی اشغال اروپایی‌ها سختی‌های جبران‌ناپذیری کشید.

اگرچه گهگاه مکتب‌های دیگر آبی‌درمه و آیین بودای مه‌ایانه در سری لانکا رواج داشتند، اما این تیره‌واده بود که همچنان اعتماد و اخلاص مردم را در اختیار داشت در واقع، تیره‌واده از نظر کتاب‌های مقدس و اجتماعی یا «انجمن» دینی‌اش امروزه یکی از خالص‌ترین شکل‌های آیین بودا است. فقط کانون بالی-آیین بودای تیره‌واده به‌طور کامل حفظ شده است. آیین بودا از سری لانکا به برمه برده شد و این در حدود قرن یازدهم بود، و از آن‌جا هم در قرن سیزدهم به تایلند، کامبوج و لاوس رسید. هنوز این آیین دین ملی هر دو کشور تایلند و برمه است. تیره‌واده‌ی سری لانکا بود که اولین بار وسیعاً در اروپا شناخته شد، و دانشمندان غربی از اوایل قرن نوزدهم مطالعه‌ی آن را شروع کرده بودند.

آیین بودای شمالی

آیین بودای شمالی آن آیین بودا است که به چین برده شد، یا از هند شمال غربی از طریق آسیای مرکزی یا از طریق مسیر دریای جنوبی. اصطلاح همچنین اشاره است به آن آیین بودا که از چین به کره و ژاپن برده شد، و نیز به آیین بودای ویتنامی، و به آیین بودایی که مستقیماً از هند به تبت برده شد. اگرچه بعضی کتاب‌های آبی‌درمه در این کشورها ترجمه شده بودند، اما اکثریت وسیع آن‌ها ترجمه‌های متن‌های مه‌ایانه بودند به طوری که از هر نظر

آیین بودای شمالی، مه‌ایانه است. از آن‌جا که زبان اصلی بیش‌تر کتاب‌های مقدس آن به سنسکریت (سنسکریت فاشره‌ی بودایی) است، آن را شاید بتوان آیین بودای سنسکریت خواند.

آیین بودا در حدود قرن اول میلادی به چین رسید و ترجمه‌های چینی کتاب‌های مقدس کم‌کم در قرن دوم پیدا شدند. قدیمی‌ترین ترجمه‌های موجود از آن‌شی گائو (فت‌ح ۱۷۰ م) هستند، از مردم پارت که می‌گویند در ۱۴۸ به لویانگ رسید، و همین‌طور از لوکه کشیمه، یک هندوسکایی که بین ۱۵۰ و ۱۹۰ فعال بود. مترجم‌های بعدی هم از زهبان‌های هند و آسیای مرکزی بودند و هم از زهبان‌های چینی که در هند مطالعه کرده بودند. تا قرن دوم سلسله‌ی تانگ (۶۱۸-۹۰۷)، تری‌پتکه‌ی چینی به بیش از هزار کتاب در بیش از پنج هزار مجلد رسید؛ امروزه تعداد آن به هزار و هفتصد کتاب می‌رسد. کانون چینی، در کیفیت و کمیت هر دو، از همه مجموعه‌های موجود کتاب‌های مقدس بودایی برتر است، و منبع بسیار باارزشی برای مطالعات بودایی است. اگرچه کانون پالی خیلی کهن و خالص است، اما کانون چینی بسیار گسترده و ژرف است.

تاریخ آیین بودا در تبت به قرن هفتم می‌رسد، و تا قرن سیزدهم ترجمه‌ی متن‌های مقدس در مقیاسی انجام گرفته بود که با چین برابری می‌کند. کتاب‌های بی‌شماری از آیین بودای مه‌ایانه‌ی میانی و پسین در ترجمه‌ی تبتی حفظ شده‌اند و جای دیگری آن‌ها را نمی‌توان دید. این‌ها منابع بسیار باارزشی برای دانشمندان‌اند. تری‌پتکه‌ی تبتی مرکب از ۶/۴۵۳ اثر است. در ویرایش پکن، که در ۱۴۱۱ منتشر شد، و ۴/۵۶۹ در ویرایش درگه، که در حدود ۱۷۳۰ منتشر شد. تعداد آثار این تری‌پتکه‌ها خیلی بیش‌تر از کتاب‌های تری‌پتکه‌ی چینی است، اما به خاطر ترجمه‌های دو نسخه‌یی و تعداد بزرگی از کتاب‌های کوتاه، حجم واقعی آن کم‌تر از کانون چینی است.

آیین بودا در طی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم به نپال رسید، موقعی که بودایی‌ها در سلسله جبال هیمالیا عزلت گرفتند که از ناپود شدن به دست فاتحان هند در امان باشند. خیلی از دست‌نوشته‌های سنسکریت به خاطر همان پناهندگان در نپال جان سالم به در بردند. اولین دست‌نوشته‌ها از این نوع که در دوره‌ی جدید کشف شد یافته‌ی برایان. ه. هاجسون (۱۸۰۰-۱۸۹۴) بود موقعی که در نپال اقامت داشت، و کشف او در مجله‌ی پژوهش‌های آسیایی کلکته در ۱۸۲۶ منتشر شد. ...

شواهد تاریخ آیین بودا در آسیای مرکزی قطعات پراکنده‌ی بسیاری از متن‌های سنسکریت است که آن‌جا کشف شده‌اند.

همچنین آیین بودای شمالی وارد اندونزی شد. سنت‌های آبی‌درمه و مه‌ایانه هر دو از هند به آن ناحیه رسیدند و زمان آن تقریباً قرن‌های سوم و سیزدهم بود. از حدود قرن هفتم به این طرف، مرکز پژوهش‌های بودایی در این ناحیه امپراتوری شری‌ویجیه بود (که پایتختش پالمبنگ کنونی شد، در سوماترا). (کوگن میزونو، ارکان آیین بودا، ۲۳-۵۱ نقل خلاصه از ع. پاشایی. دانشنامه‌ی آیین بودا، که از انتشارات دانشگاه وادیان و مذاهب خواهد بود.)